

# مناستاز اسرائیل

استمرار تبعیض، ترور و تعدی

کورش علیانی

www.ketab.ir

سرشناسه: علیانی، کورش، ۱۳۵۰-

عنوان و نام پدیدآور: متاسناز اسرائیل؛

استمرار تبعیض، ترور و تعدی / کورش علیانی.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه جام جم، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.؛ ۱۴،۵ × ۲۱،۵ س. م

شابک: ۸- ۷- ۹۵۵۱۸- ۶۰۰- ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: اسرائیل

موضوع: Israel

موضوع: یهودیان

موضوع: Jews

رده بندی کنگره: ۱۰۲ DS / ۹۵

رده بندی دیویی: ۹۴ / ۹۵۶

شماره کتاب شناسی ملی: ۷۵۸۸۳۱۱

وضعیت رکورد: فیپا

جام جم

▪ عنوان کتاب: متاستاز اسرائیل

▪ ناشر: جام جم

▪ نویسنده: کورش علیانی

▪ ویراستار: محمد کاظم کاظمی

▪ طراح جلد: مصطفی جمالی

▪ چاپ هشتم: بهار ۱۴۰۳ (چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰)

▪ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه (چاپ اول تا هفتم: ۷۰۰۰ نسخه)

▪ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۵۱۸-۷-۸

▪ قیمت: ۱,۸۰۰,۰۰۰ ریال

▪ نشانی: تهران، خیابان میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹

▪ تارنما: [www.nashr.jamejamonline.ir](http://www.nashr.jamejamonline.ir)

▪ تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۰۴۴۳۰

▪ هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل، بدون اجازه کتبی از مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی

جام جم ممنوع است.

## فهرست

---

↓

۷	مقدمه
۱۳	سپاس نامه
۱۷	بخش اول: از هیچ تا هیچ
۱۹	نخستین فرازوی
۲۴	تئودور باهوش، تئودور پی گیر
۳۳	یهودستان
۳۸	رودولف راکر و مرز میان دو یهودستان
۴۶	هرصل و بازل، یک تصرف نمادین
۵۱	صیونیزم اولیه، میان نیچه و سلطان عبدالحمید ثانی
۵۷	دیگر دلدادگان مجنون آلمانی
۶۷	پیرها باید بروند، جوان ها بیایند
۷۲	دیپلماسی داستان دیگری است
۸۲	بوی خون و گله گرگ ها
۹۲	چند مشت تروریست؟
۱۰۴	چند مشت تروریست بیش تر
۱۲۴	فرنگ: گرگ زرنگ
۱۳۳	هلوکاست را با که حساب کنیم؟
۱۴۱	بخش دوم: تا ارزش افزوده

۱۴۳	.....	قطع نامه دو سر طلا
۱۵۱	.....	یک پرچم به جای هفتصد هزار آدم
۱۵۹	.....	جنگ یعنی چه؟ کدام جنگ ها
۱۷۴	.....	گلخانه آقای آیزنهاور
۱۹۰	.....	تختی برای صلح، صلح از برای گور
۱۹۷	.....	بخش سوم: از هست تا شود
۱۹۹	.....	در جعل و جعل غمده
۲۰۴	.....	جنگ آتش
۲۰۹	.....	جنگ زیتون
۲۱۴	.....	جنگ سنگ
۲۱۹	.....	جنگ سکین
۲۲۳	.....	جنگ سکنی
۲۲۸	.....	جنگ رنگ
۲۳۹	.....	یوزم: بازار یاب پرچانه
۲۴۶	.....	راه انسان، راه آنان، راه ما
۲۵۲	.....	سخن پایانی
۲۵۷	.....	پیوست ها
۲۵۸	.....	یهودستیزی و عادی سازی صیونیزم
۲۶۹	.....	اسرائیل یک کشور باستانی است؟
۲۷۷	.....	گزارشی از دیربایسین
۲۸۲	.....	تمرد چرا؟
۲۸۵	.....	صاحب آواز و دیگر دوستان
۲۹۱	.....	دو چهره، دو نماد، دو نسل
۲۹۴	.....	ربایش و قتل محمد ابو خضیر فرزند حسین
۲۹۷	.....	علی کو؟ علی کو؟
۳۰۱	.....	آتش در مرز، آغاز یک بررسی موردی
۳۰۵	.....	دافنی لیف و بی خانمانی اش

## مقدمه



این که میان این حجم عظیم فریادهای «مرگ بر اسرائیل» که از هر سوی از رسانه‌های مرتبط با دیدگاه مطلوب و موجه کشورمان می‌شنویم و می‌بینیم و می‌خوانیم، نوشتن چنین کتابی چه لزومی داشت، نخستین پرسشی است که باید در این مقدمه به آن پاسخ بدهم.

این کتاب یک روایت تاریخی است که در پی بررسی یک موضوع خاص است و موضوع خود را دنبال می‌کند. آن موضوع پیوستگی - ناپیوستگی تبعیض، ترور و تعدی در طول زمان در موجودیتی است که خودش را اسرائیل می‌نامد.

من سال‌ها در این زمینه و به طور کلی درباره اسرائیل خوانده‌ام؛ انواع خبرهای متنی و تصویری را دنبال کرده‌ام؛ هزاران قطعه عکس و صداها تکه فیلم را سر فرصت دیده‌ام و بررسی کرده‌ام و هر چه گذشته است، بیش‌تر به این نتیجه رسیده‌ام که پیوستگی ترور و تعدی و تبعیض از سال‌ها قبل از روز نکبت تا همین امروز، هرگز قطع نشده است.

در تمام این مدت نه قائل به افسانه نادرکجایی یا بی‌طرفی پژوهنده بوده‌ام و نه باجی به تصورات از پیشی خودم داده‌ام. آنچه با روش تحقیق و با داده‌های دیگر هم‌آهنگ تر بوده برگزیده‌ام و آنچه هم‌آهنگ نبوده را، کنار گذاشته‌ام و تمام

توقعی هم که از خواننده دارم (و اگر چنین توقعی هم نداشته باشم، اقتضای بلوغ و عقل هر خواننده همین است) این است که به جای باور به من، متن را بخواند؛ با داده‌ها و متن‌های دیگر مقایسه کند و آنچه را به گمانش معقول می‌آید بپذیرد، ولو یک سره در مخالفت با آنچه من نوشته‌ام باشد.

بررسی پیوستگی این سه «ت» (تبعیض، ترور و تعدی که به گمان من اولی ریشه و دوتای بعد ابزارهای گسترش اسرائیل بوده‌اند) و یا حتی شعار دادن درباره آن، به چشم من هیچ وقت در آن مواضع رسمی و غیرمتمکثریک دست و تکثیر شده، نیامده و نگنجدیده است و برای همین هم که شده، نوشتن چنین متنی جا دارد. پرسش دیگری که باید به آن پاسخ بدهم، روش پژوهش است که من پاسخ به آن را به بعد احاله می‌دهم، به این دلیل ساده که مبانی شیوه نسبتاً نو نسبتاً ناشناخته پژوهش روایی تاریخ به معرفی، نقد و بررسی نیاز دارد. اینجا بی هیچ تلاشی برای زیرو رو کشیدن و لغزیدن و گریختن، محتاج استفاده از جمله رایج و اغلب زشتی هستم که می‌گوید «وان خود نیازمند نوشتن کتاب هاست» و جمله اغلب زشت تری که می‌گوید «در این مقال نمی‌گنجد».

به پرسش اول برمی‌گردم و با کمی جابه‌جایی در موضع پرسشگر، از خودم می‌پرسم «هدف از نوشتن این کتاب چه بوده است؟» و بعد بیانیه‌ای به ذهنم هجوم می‌آورد که سعی می‌کنم تا حد ممکن عیناً و بدون حک و اصلاح و نرم‌سازی و نرمال‌سازی برایتان نقلش کنم.

هدفم از نوشتن این کتاب چه بوده است؟ ساده‌ترین توضیح این است که خواستم نشان بدهم وقتی ما از این می‌گوییم که اسرائیل نماد (و بزرگ‌ترین و کامل‌ترین نماد) تبعیض و ترور و تعدی است، این دشمنامی دشمنانه نیست که نثار کسانی کرده باشیم که دوستشان نداریم، یا با آن‌ها بر سر موضوعی مثل آب و خاک و تاریخ دعوایی داریم. برعکس، این گزارشی است موجز از وضع آن چیزی که خودش را اسرائیل نامیده است. یک سازمان تروریستی بزرگ که وانمود می‌کند

نه تنها یک کشور، که یک ملت - حاکمیت<sup>۱</sup> است.

یاد شاعر و ترانه‌سرا و خوانندهٔ یهودی لئونارد<sup>۲</sup> کوهن برای من اغلب گرامی است. او ترانه‌ای دارد با این مطلع که سخت به دل من می‌نشیند و این پاره از گفتار مرا کامل می‌کند:

اسرائیل

و شما که خود را اسرائیل می‌نامید

معبودی که خودش را اسرائیل می‌نامد

و طغیانی که خودش را اسرائیل می‌نامد

و هر ملتی که برگزیده شده تا ملت باشد

هیچ‌جا از این سرزمین‌ها از آن شما نیست

شمایان همه دزدان تقدس<sup>۳</sup> اید

از سویی دیگر، وقتی ما می‌گوییم که اسرائیل نماد و بزرگ‌ترین و کامل‌ترین نماد تبعیض و ترور و تعدی است، این پوششی نیست که ما یک رفتار نژادپرستانه، یک جنگ صلیبی بی‌صلیب یا هر نوع رفتار تبعیض‌گرایانه را پشت آن استتار کرده باشیم. می‌خواهم در این کتاب فریاد روشن آن دسته از کسانی شنیده شود که هرگز با اسرائیل و دشمنی‌اش با بشریت کنار نخواهند آمد، اما هرگز هم نژادپرست، یهودستیز یا تبعیض‌گرا نیستند.

خط‌کشی سومی هم هست که این کتاب بناست از آن حفاظت و حراست کند. این کتاب قرار است نشان بدهد که مبنای کنار نیامدن با اسرائیل، قصه‌های پریان، داستان دربارهٔ نفوذ نمادهای یهودی و فراماسونری و چشم و هرم و ستارهٔ شش‌پرو و امثال این‌ها نیست.

آنان که بارکد را طرح‌شال یهودی و نماد نفوذ صیونیزم می‌بینند؛ آنان که در کاشی‌کاری‌های دوران صفویه و پیش از آن در آجرکاری‌های سلجوقی ستارهٔ شش‌پرو می‌بینند و فریاد «وا صیونیزما»<sup>۴</sup> سر می‌دهند؛ آنان که حماسهٔ هدف‌قراردادن

و منهدم کردن تانک‌های اسرائیلی مرکبه<sup>۲</sup> در جنگ ۳۳ روزه به دست ابطال هوشمند حزب الله را، به ورد و ابطال ورد و جن و پری نسبت می‌دهند، در نبرد مقدس نوع بشر با انسان ستیزان حامی تبعیض و ترور و تعدی جایی ندارند. آنان نهایتاً می‌توانند خودشان را با کشیدن و نوشتن کمیک استریپ سرگرم و محبوب و مشهور و حتی ثروتمند کنند. اما پیش از آن باید قول بدهند که در آغاز تمام کمیک استریپ‌هایشان بنویسند از این که زمانی در دفاعی مقدس مداخله‌هایی ناآگاهانه کرده‌اند که به نفع دشمن بشریت تمام شده، تمام قد و با کمال تواضع از تمامی انسان‌ها، خصوصاً ایرانیان و محور مقاومت که خط اول این مقابله بوده‌اند، عذر می‌خواهند.

حالا جا دارد با همین تغییراندک در موضع پرسشگر، پرسش دوم را نیز یک بار دیگر جواب بدهم. این کتاب از منظر روش، بنا است چه باشد؟ تاریخ سنتی؟ تاریخ کلاسیک؟ داستان تاریخی‌ای که زیر عنوان فاضلانۀ «روایت تاریخی» پنهان و موجهش کرده‌اند؟

باز اینجا وقتی با خودم حرف می‌زنم حرف‌هایی دارم که بی‌سانسورتر برایتان نقل می‌کنم. این کتاب بنا نیست به شیوه خوش‌بینانه و ساده‌دلانه قدیمی، تاریخ‌نگاری‌ای کلاسیک باشد که در پی دست‌یابی به حاقّ واقع است. حاقّ واقع اگر دست‌یافتنی هم بود به دست من و شما بیس نمی‌دادند.

این کتاب یک روایت تاریخی است، روایتی در کنار بی‌نهایت روایت مکتوب و شفاهی و حتی ناگفته که هر آن شکل می‌گیرند و فرو می‌ریزند و عقب می‌روند و جلومی‌آیند. روایتی که نویسنده‌اش بنا دارد در نوشتنش داده‌هایی را که در گفتار روزمره و غیرتخصصی و انسان‌وار میان خودمان آن‌ها را «داده‌های عینی» می‌نامیم، نادیده نگیرد و حذف نکند. روایتی که نویسنده بنا دارد هرگز آن را به سمت تبلیغات و یارگیری فرقه‌ای، قومی یا مانند آن سوق ندهد. روایتی که بناست تا حد امکان فراگیر اما محدود به موضوع خود، و تا حد امکان مفید باشد

و البته که در این مفید بودن از تمام امکانات شناختی و ادراکی روایت، در حد توان انسانی و اجتماعی نویسنده بهره بگیرد.

و باز بناست روایتی باشد که به مخاطب بگوید اسرائیل، این به قول کوهن «دزد تقدس»، چیست و چرا چنین است و چرا با این پدیده نیز همچون داعش نمی توان از در مسالمت درآمد. روایتی که بناست نشان بدهد جنگ میان اسرائیل و بشریت را، نه بشریت با اسرائیل آغاز کرده است و نه این جنگ به فلسطینیان، مسلمانان، اعراب یا ایران محدود می شود.

محض خاطر دل احتمالاً نازک خوانندگان اندک اما عزیزی که همواره دغدغه فضل دارند، کوشیده ام ارجاعات دقیق و بسیاری در میان باشد تا گمان نکنید دارید سه تفنگداریا حیثیت و مکافات می خوانید. اما خلق خود را هم فراموش نکرده ام که برای خواننده ای که تنها مخاطب نیست و آن قدر ارجمند است که با من نویسنده هم دوش و هم گفت و گو است، جا برای سؤال و تردید و جست و جو باز بگذارم.

بسیاری جاها آن خواننده ظریف طبعی که دغدغه فضل دارد، متوجه گسست های ریز روایی خواهد شد؛ گسست های ریزی که اغلب با یک جست و جوی ساده اینترنتی معنا و دالی جدید خواهند یافت و خواننده را نه تنها در لذت هم آفرینی کتاب، که در لذت دگر آفرینی کتاب و آفریدن دگر روایت کتاب سهیم خواهند کرد که خب نوش باد و تا باد چنین باد.

ممکن است کسی پرسد که این گسست های روایی در روند استدلال تاریخی خدشه ایجاد نمی کنند؟ در جواب من باید به دو نکته اشاره کنم:

۱. تاریخ امری استدلالی نیست. آن چه شما «واقعۀ تاریخی» می نامید، مبتنی بر استدلال رخ نداده است که شما با استدلال باز یابی اش کنید؛ بلکه امری بوده و هست که هر گوشه اش دو مهر تصمیم انسانی و شرایط پیش بینی ناپذیر محیطی را بر خود دارد که هیچ یک هم استدلال پذیر نیست. پس «استدلال

تاریخی» را فراموش کنید، چنان‌که آن قدر سرگشته نیستید که دنبال مربع گرد ۶ بگردید.

۲. این گسست‌های روایی همیشه در هر روایتی وجود دارد، گاه درشت‌تر و گاه ریزتر. به عبارتی، روایت بی گسست شکل نمی‌گیرد و این را کسانی می‌دانند که با نظریهٔ فکر روایی آشنا نیستند. و آن دسته از گسست‌های روایی که در این متن با آن‌ها مواجه هستید بسیار ریز هستند؛ آن قدر که در مقام تمثیل می‌توانید تاریخ‌نگاران کلاسیک را تصور کنید که سرو ته گسست‌هایی هزاران برابر بزرگ‌تر از این‌ها را با دو سطر انشای فاضلانه و از موضع برتر «هم می‌آورند» و به اجرویشان خم هم نمی‌آورند.

— پی‌نوشت‌ها —

- |   |  |
|---|--|
| <p>4. מרכבה</p> <p>5. Dialogue Partner</p> <p>۶. یا چنان‌که در نوجوانی من گفتن و نوشتنش رایج بود «مربع مستدیر».</p> | <p>1. Nation-state</p> <p>2. Leonard Cohen</p> <p>3. Cohen, L. (1984). Book of mercy. Villard Books, p 57.</p> |
|---|--|

WWW.KALAM.PK

## سپاس نامه



ایده نخست نوشتن این کتاب را در دوسه گفت وگویی صریح، کوتاه و حرفه‌ای با مهدی قزلی پروردیم. از او بابت این که در این کار بانی خیر شد، و جدا از نسبت اجرایی اش با این کتاب، متشکرام. نیز از تک تک فاضلانی که در انتشارات جام جم مِنَ الصَّدرِ الی العَجْز قدم خیری در راه نشر و به نشر این کتاب برداشتند و برخواهند داشت، خاضعانه ممنون ام و امید می‌دارم که ایزدشان در روز واپسین جزای خیر و بهره بسیار دهد.

در این میان به طور خاص جناب آقای محمد کاظم کاظمی با خضوع همیشه ویرانگر خود، پذیرفتند که این متن را ویرایش کنند که لذت این بزرگواری را که در حق من روا داشت، هرگز از یاد نخواهم برد.

ناگفته پیداست که هر کس مسئول خطاهای خود است. هر چه خطا کرده‌ام با من است و هر چه دیگرانی در مراحل مختلف پدیدآوری کتاب خطای احتمالی کرده‌اند حتماً با آنان است، اما بپذیریم که هم احتمال خطاهای دیگران پایین است و هم ملاک درستی برای خط کشیدن و دسته بندی میان این دو گروه خطا نداریم. چنین است که فعلاً (و احتمالاً به معنایی درست خلاف آنچه رایج است عمراً) تمامی خطاها با من، تا بعد چه پیش آید.

از عزیزان مؤسسه انتشارات جام جم گفتم و تشکر کردم. درست از منظری دیگر، از مردان و احتمالاً زنان ناشناسی که در ایران یا هر جای دیگر از این جهان، هرگونه دست‌رسی اینترنتی به اسناد مربوط به صیونیزم و اسرائیل را برای من به عنوان یک کاربر ایرانی خطرناک (حتی شاید کُشنده) تشخیص داده و مسدود کرده بودند، یاد می‌کنم و برای آنان نیز طلب جزای خیر از حضرت احدیت می‌کنم؛ هر چند هیچ باوری از این جنس ندارم که دشواری کارم به مطلوبیت یا کیفیت یا اجر یا ارج آن حتی ذره‌ای افزوده باشد، که اگر مرا از نوشتن سطری هم باز داشته باشد، این خود نه تنها نقص من که نقص کتاب نیز خواهد بود. لیکن چه چاره از بخت گم‌راه؟ از ما این قدر ساخته بود و از آنان آن قدر.